

میزگرد

واکاوی شکاف انتظارات بازار سرمایه و حرفه‌ی حسابرسی



شاهین چراغی



بابک پوربهرامی



محمدرضابنی فاطمی

کلشی

پرسش‌های جلسه‌ی حاضر بسیار گسترده و تفصیلی است، اما انگیزه‌ی برگزاری این جلسه وجود شکاف انتظارات زیادی که از یک‌سو میان فعالان بازار سرمایه و از سوی دیگر فعالان حرفه‌ی حسابرسی وجود دارد. از یک طرف بورس از حسابرسان درخصوص ارتقای شفافیت مالی شرکت‌ها و کاهش تفاوت میان پیش‌بینی و عملکرد ناشران انتظار دارد. از طرف دیگر هم وقتی پای صحبت حسابرسان می‌نشینیم، اظهار می‌کنند انتظاری که بورس از ما دارد بسیار فراتر از امکاناتی است که وجود دارد و متقابلاً انتظاراتی که حسابرسان هم در حوزه‌ی حمایت و پشتیبانی از بورس دارند به‌ویژه این که اعتقاد دارند حسابرسی، حرفه‌ای است که به حمایت نهادهای ناظر احتیاج دارد تا بتواند در مسائل آموزشی، فناوری اطلاعات، مسائل مالی سرپا بایستند، و نهادی که بیش‌تر از همه می‌تواند این حمایت را از آن‌ها انجام بدهد، سازمان بورس است. پس شکاف انتظاری میان بورس و حسابرسان وجود دارد. راه‌های پر کردن این شکاف چه می‌تواند باشد؟ موضوع محوری بحث این است. ضمن تشکر از حاضران در میزگرد، تقاضا می‌کنیم در دور اول نظرگاه‌های کلی‌تر خود را طرح کنند و در دوم روی به مسائل ریزتر یا تکمیلی یا انتقادهایی نسبت به گفته‌های سایر حاضران در بحث دارند، بپردازند. ابتدا از آقای بنی فاطمی خواهش می‌کنیم دیدگاه‌های خود را مطرح بفرمایند.



«محمدرضا بنی فاطمی کاشی:

موضوع جلسه‌ی حاضر بسیار مهم و در سال‌های اخیر یکی از چالش‌های پیش روی حسابرسان معتمد بورس و حسابرسیانی بوده است که می‌خواهند معتمد بورس شوند. در بحث کلی درباره‌ی شکاف انتظارات بین حسابرسان و سازمان بورس باید در ابتدا به فلسفه‌ی وجودی و عملکرد کمیته‌ی نظارت بر حسابرسان معتمد در بورس که پذیرش حسابرسان ذی‌صلاح را برعهده دارد اشاره کرد و این‌که حسابرسان و سازمان بورس چه انتظاراتی از یکدیگر دارند و چه‌گونه می‌توان این انتظارات را کاهش داد. حسب وظیفه‌ی قانونی که سازمان بورس در جهت حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران برعهده دارد، طبق بیست و چهارمین صورت‌جلسه شورای عالی بورس در سال ۸۵ و براساس مفاد موادی از قانون بازار اوراق بهادار، این اجازه به سازمان بورس داده شد تا تعدادی از مؤسسات حسابرسی را به‌عنوان معتمد انتخاب و از خدمات این مؤسسات استفاده کند. سپس در سال ۸۶ دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس تهیه و تدوین شد و در سال‌های ۹۰ و ۹۲ مورد بازنگری قرار

گرفت. در حال حاضر هم اقداماتی برای بازنگری جدید در حال انجام است و در نظر است با توجه به بازخوردهایی که از مراجع مختلف کسب شده، دستورالعمل مزبور بازنگری شود.

طبق ماده‌ی ۳ این دستورالعمل، کمیته‌ای متشکل از پنج نفر از مدیران ارشد حسابرسی تشکیل شده که سه نفر نماینده‌ی سازمان بورس، یک نفر نماینده‌ی جامعه‌ی حسابداران رسمی و یک نفر هم نماینده‌ی سازمان حسابرسی است. اهم وظایفی که برعهده‌ی این کمیته گذاشته شده شامل پذیرش مؤسسات حسابرسی متقاضی به‌عنوان مؤسسات معتمد و پذیرش شرکا و مدیران جدید و نظارت بر عملکرد مؤسسات موجود است. کمیته‌ی مزبور از سال ۸۶ و هر ساله نتایج عملکرد خود را در خصوص چگونگی و نحوه‌ی انجام وظایف محوله و آثار آن در قالب یک گزارش سالانه تهیه و در اختیار عموم استفاده‌کنندگان و ذی‌نفعان قرار می‌دهد. مهم‌ترین انتظاری که این کمیته یا به عبارت بهتر سازمان بورس دارد این است که حسابرسان کار خودشان را طبق استانداردهای حسابداری و حسابرسی انجام دهند. از طرف دیگر حسابرسان هم با

توجه به امکانات، توانایی‌ها و ظرفیت‌هایی که دارند این وظایف را برعهده گرفتند. ولی با توجه به مشکلات عدیده‌ی موجود در حرفه‌ی حسابرسی ازجمله جذب و نگهداری نیروی انسانی متخصص و واجد شرایط، عدم امکان استفاده از نرم‌افزارها و تکنولوژی‌های نوین در زمینه‌ی حسابرسی و سایر مشکلات مرتبط با مؤسسه‌داری، حسابرسان در مواردی نتوانستند در حد انتظارات سازمان بورس و سایر مراجع نظارتی عمل کنند. البته اقدامات و هزینه‌های زیادی به‌منظور حمایت از حسابرسان توسط سازمان حسابرسی و جامعه حسابداران رسمی ایران صورت پذیرفته ولی کافی نیست.

مهم‌ترین بحثی که حسابرسان دارند در زمینه‌ی میزان حق‌الزحمه‌ای است که می‌گیرند که با مسئولیت‌ها و خدماتی که برعهده‌ی آن‌ها گذاشته شده و هر روز بیش‌تر می‌شود، متناسب نیست. همین امر باعث افزایش فاصله‌ی انتظارات می‌شود.

یکی دیگر از چالش‌های پیش روی حسابرسان هدف از ارزیابی کنترل‌های داخلی است. سازمان بورس تأکید ویژه‌ای روی گزارشگری کنترل‌های داخلی دارد چراکه نتایج بررسی‌های انجام‌شده بیانگر



با کیفیت توسط حسابرسان در راستای انجام تکالیف قانونی خود را انتظار دارد.

از آقای پور بهرامی خواهش می‌کنیم علاوه بر ارائه‌ی نظرات‌شان در مورد شکاف انتظارات، در مورد عملکرد کمیته، با توجه به این که انتقاداتی در مورد نحوه‌ی پذیرش مؤسسات معتمد و مدیران و شرکا و نحوه‌ی نظارت بر عملکرد حسابرسان معتمد، و احکام انضباطی صادره مطرح شده توضیح دهند. با توجه به مسئولیت شما در امر کنترل کیفیت حسابرسی است، اگر در بحث‌تان این موارد را هم باز کنید ممنون می‌شویم.

«بابک پور بهرامی:

در ابتدا با عرض تشکر، یکی از موضوعات بسیار مهم، شکاف انتظارات بین حسابرسان و سازمان بورس و انتظارات هر کدام از یکدیگر می‌باشد که جناب آقای دکتر بنی فاطمی موارد بسیار مهمی را در این خصوص ذکر فرمودند.

من مدت زمان نسبتاً کوتاهی است که عضو هیأت‌مدیره شده‌ام، اما پیش از آن به مدت دو سال در واحد کنترل کیفیت جامعه همکاری داشته‌ام یکی از وظایف من بررسی گزارش‌هایی بود که از جانب کمیته‌ی پذیرش و نظارت بر مؤسسات حسابرسی معتمد بورس درباره‌ی ایرادات طرح شده بر نحوه‌ی اظهارنظر مؤسسات حسابرسی ارجاع می‌شد. فرآیند کار بدین منوال است که پس از بررسی پرونده‌ها و تهیه‌ی گزارش کارشناسی موارد در کارگروه کنترل کیفیت، با حضور شرکای مؤسسه‌ی حسابرسی و نمایندگان محترم سازمان بورس مورد بحث و تبادل نظر قرار می‌گیرد و در صورتی که ایرادات طرح شده، وارد باشد، صورتجلسه‌ی کارگروه به هیأت انتظامی جامعه و سازمان بورس ارجاع می‌شود.

یکی از موارد اعتراض مؤسسات این است که، سازمان بورس یک یا دو سال

آن است که ریشه‌ی تمام بحران‌های مالی بزرگ دنیا ضعف کنترل‌های داخلی است. به همین خاطر در سال‌های گذشته تکلیف شده که حسابرسان کنترل‌های داخلی را ارزیابی و در خصوص اثربخشی و موارد ضعف آن اظهارنظر کنند. لذا حسابرسان با چالش جدی مواجه شدند. نخست این که حسابرسان برای انجام مناسب این خدمت به استاندارد، دستورالعمل و روش‌های مدون نیاز دارند و این که بابت این خدمات اضافی مابه‌ازایی دریافت نمی‌کنند. البته این بدان معنی نیست که حسابرسان به ارزیابی کنترل‌های داخلی و نتایج حاصل از آن توجه ندارند. ضمن این که استانداردهای حسابرسی متعددی از جمله استانداردهای ۲۶۵ تحت عنوان اطلاع‌رسانی ضعف‌های کنترل‌های داخلی به ارکان راهبری و مدیران اجرایی، استاندارد ۳۰۰ تحت عنوان برنامه‌ریزی حسابرسی صورت‌های مالی، استاندارد ۳۱۵ تحت عنوان تشخیص و ارزیابی خطر تحریف بااهمیت از طریق شناخت واحد تجاری و محیط آن، استاندارد ۳۳۰ تحت عنوان برخورد‌های حسابرسی با خطرهای ارزیابی شده و استاندارد ۶۱۰ تحت عنوان استفاده از کار حسابرسان داخلی وجود دارد که حسابرسان ملزم به رعایت و استفاده از آن در برنامه‌ریزی و انجام کارهای خود هستند.

سازمان بورس ضمن تهیه و تدوین صورت‌های مالی نمونه برای انواع شرکت‌ها، منشور حاکمیت شرکتی، دستورالعمل کنترل‌های داخلی، منشور فعالیت حسابرسی داخلی، منشور کمیته‌ی حسابرسی و تدوین رهنمودهای مختلف کمک شایان توجهی به حسابرسان در انجام وظایف محوله کرده است.

جمع‌بندی عرایض این است که حسابرسان انتظارات به جایی دارند که در رأس آن حمایت سازمان بورس در جهت حفظ استقلال و کسب درآمد کافی برای اجرای کار حرفه‌ای با کیفیت مناسب و مورد انتظار است و در مقابل سازمان بورس نیز انجام کار حرفه‌ای مناسب و

پس از انتشار گزارش حسابرسی و پس از دسترسی به اطلاعات جدید در مورد موضوعات مزبور از مؤسسه پرسش و پاسخ کرده و ایراداتی وارد می‌کند. قابل ذکر است زمانی که مؤسسات اظهارنظر حرفه‌ای نسبت به صورت‌های مالی شرکت‌ها می‌کنند در زمان صدور گزارش براساس اطلاعات و شواهد موجود، در آن تاریخ نسبت به موضوعات مزبور اظهارنظر حرفه‌ای می‌نمایند و اگر حسابرس هم در زمان صدور گزارش به این اطلاعات جدید دسترسی داشت قطعاً نحوه موضع‌گیری مناسب‌تری اعمال می‌نمود.

خاطرم هست تعدادی از مؤسسات حسابرسی در جلسات ابراز داشتند پس از صدور گزارش با بندهای حسابرسی متعدد، به‌رغم این که مؤسسات حسابرسی معتمد بورس می‌توانند چهار سال حسابرس شرکت‌های مزبور باشند، خیلی سریع توسط مجامع تغییر کردند و از آن‌ها حمایت نشدند. البته در حال حاضر سازمان بورس اجازه نمی‌دهد چنین اتفاقاتی بدون دلایل



قانع کننده رخ بدهد. بحث بعدی در خصوص میزان حق الزحمه است، اگر میزان درآمد مؤسسات منطقی و معقول باشد و کارهای بورسی استمرار داشته باشد، مؤسسات به تبع آن خواهند توانست نیروهای متخصص استخدام کنند و همچنین می‌توانند واحد کنترل کیفیت مؤثر و کارا داشته باشند که منتج به صدور گزارش‌های با کیفیت مناسب خواهد شد که این مورد یکی از موضوعاتی است که نیاز به حمایت سازمان بورس در خصوص حق الزحمه‌های شرکت‌های بورسی را می‌طلبد.

همچنین، یکی دیگر از موضوعات مورد انتظار حسابرسان این است که زمانی که سازمان بورس موردی را به جامعه ارجاع می‌کند، پس از تهیه صورتجلسه‌ی کارگروه کنترل کیفیت و در صورت محرز شدن ایرادات، سازمان بورس صورتجلسه‌ی کارگروه کنترل کیفیت را اخذ و خودشان رأساً برخورد انضباطی می‌کنند و منتظر صدور رأی هیأت‌های انتظامی ما نمی‌شوند. من معتقد هستم

باید با تشکیل جلسات مشترک میان هیأت‌های انتظامی جامعه و سازمان بورس بتوانیم به دیدگاه‌های مشترک در این خصوص نائل شویم.

اما نکته‌ای که در حال حاضر خیلی مطرح می‌شود، بحث «حسابرس معتمد» است. اعتقاد ما این است وقتی فردی حسابدار رسمی می‌شود، با توجه به سوابقی که قبلاً کسب کرده، آزمون بسیار سختی را پشت سر گذاشته و سپس تعیین صلاحیت می‌شود. پس این که ما بگوییم معتمد است یا خیر، واژه‌ی چندان مناسبی نیست. در واقع وقتی ما تعیین صلاحیت می‌شویم، همه معتمد هستیم.

حُسن حضور آقای چراغی در میزگرد حاضر این است که هم تخصص‌شان در حسابرسی و مالی است و هم در شورای عالی بورس عضو هستند. خواهش می‌کنیم با توجه به تخصص و مسئولیت کنونی‌شان دیدگاه‌های خود را مطرح بفرمایند.

«شاهین چراغی:

مطالبی که دوستان فرمودند کاملاً درست است. اما دو اتفاق عمده در ده سال گذشته در ایران رخ داده است. یکی این که ساختار بازار سرمایه‌ی ما تغییر کرد و ساختار مدرنی ایجاد شد که در تمام دنیا هم ساختار به همین وضعیت است. یعنی نهادهای که هم در اجرا بود و هم در نظارت، جدا شد و استقلال نظارت از اجرا تأمین شد. بحث بعدی ورود دنیای دیجیتال بود که تقریباً در تمام کسب‌وکارها و به طور ویژه در بورس وارد شد. چون ساختار بورس‌ها طوری هست که معاملات بر حوزه‌ی الکترونیکی بنا شده، گردش اطلاعات و دسترسی به منابع اطلاعات خیلی بالا رفته است.

اما بخش‌های مختلف اقتصاد در ایران نتوانستند خود را با آن تطبیق بدهند. ما واقعاً تجربه‌ی کافی نداشتیم، بازار بورس ما نوپاست، ما قدمت ۲۰۰ ساله نداریم،

قبل از انقلاب بوده بعد تعطیل شده و به وقفه‌هایی برخورد کرده است. موج جدید حرکت بازار سرمایه از سال‌های ۸۳-۸۴ شروع شد و به تبع آن نقش حسابرسان را هم بیش‌تر بیش‌تر می‌شود.

یکی از موارد مهمی که متأسفانه در ایران می‌بینم، جامعه‌ی حسابرسی ما، همکارانی که در این حوزه کار می‌کنند ریسک‌های بسیار بالایی دارند، در خیلی از شرکت‌های ما عملاً نمی‌شود خطی بین مجمع و هیأت‌مدیره کشید، به خصوص در شرکت‌های سرمایه‌گذاری که عمده‌تاً یک نفر نماینده‌ی یک مجمع است و در جایی دیگر عضو هیأت‌مدیره است. به همین جهت ما از حسابرس درخواست داریم، برای حفظ حقوق سهامداران اقلیت در این موارد اظهار نظر بفرمایند. سهامدار عمده خیلی وقت‌ها با گزارش حسابرس موافق نیست و می‌خواهد حسابرس، بندی را حذف کند. پس از یک طرف سازمان بورس به عنوان حافظ منافع سهامدار خرد وجود دارد و از سوی دیگر فشار سهامدار عمده که موافق وجودبندی خاص در گزارش حسابرس نیست و تضاد آشکاری بین منافع دو ذینفع وجود دارد. ساختار اقتصاد ایران به جهت وضعیت تحریم‌ها در چند سال گذشته نیز عملاً وضعیتی را ایجاد کرده که ما نمی‌توانیم توقعات زیادی از حسابرس داشته باشیم و آن سطح از دسترسی به اسناد و مدارک و مستندات و همچنین استقلال حرفه‌ای که تمام دنیا از حسابرس انتظار دارد متأسفانه نمی‌توانیم بدلائل مختلف داشته باشیم.

مورد بعد درآمد مؤسسات حسابرسی است. در کجای دنیا مؤسسات حسابرسی را وارد رقابت‌های ناسالم کاری برای گرفتن کار می‌کنند تا حسابرس برای ادامه کار کار را با نرخ بسیار پایین قبول کنند؟ یعنی ما اصلاً به کیفیت کار مؤسسات توجه نداریم. درمورد طبقه‌بندی مجزایی که سازمان بورس انجام می‌دهد و آقای پوربهرامی فرمودند شاید به دلیل همین نگرانی است که سازمان بورس موظف



است حساسیت بیش‌تری را به‌خرج دهد، آسیب‌پذیری سهامداران خرد و سهامداران حقیقی می‌تواند در جامعه بحران‌های اجتماعی ایجاد کند. بالاخره بازار بورس ما نوپاست و بحرانی که می‌تواند از این ناحیه ایجاد شود می‌تواند به بخش‌های مختلف اقتصاد و جامعه تسری می‌یابد. از همین رو، سازمان بورس موظف است شاخصی را علاوه بر حسابداری رسمی بودن به نام معتمد بودن را علاوه بر آن چه شما در جامعه چک می‌کنید را براساس استانداردها و معیارهای خودش برای پذیرش موسسات تعیین نماید.

اعتقاد من این است که ما به یک دگرگونی اساسی در حرفه حسابرسی احتیاج داریم. برای ساختار و نظامی جدید نیاز داریم که حسابرسی از منابع مالی لازم برخوردار باشد تا قادر باشد نیروی کیفی را نیز استخدام نموده و برای گرفتن کار به رقابت منفی در نرخ روی نیاورند. مورد بعدی که بسیار مهم است پس نحوه توزیع کار حسابرسی خیلی مسأله‌ی مهمی است و از حرفه‌ای که متولی شفافیت‌سازی در جامعه است انتظار داشته باشیم در توزیع کار بین همکاران و موسسات حسابرسی رفتار و اخلاق حرفه‌ای را رعایت بنمایند. مسأله‌ی بعدی

به جهت تصدی‌گری دولت و نهادهای مالی و عمومی تفکیک واقعی بین مجمع و هیأت‌مدیره وجود ندارد و هیأت‌مدیره و مجمع در انجام تخلفات در بسیاری از موارد با هم هماهنگ می‌باشند و از حسابرسی و سازمان بورس انتظار داریم در این وضعیت از حقوق سهامدار اقلیت و خرد در مقابل مدیران و سهامداران عمده دفاع بنمایند، این شاید پدیده خاصی است که فقط در معدود کشورهایی دیده می‌شود به همین جهت سه سازمان و موسسه، حسابرسی و بازرسی در سه قوه عمدتاً نمی‌توانند نظارت دقیق و درستی را داشته باشند.

بحث دیگر از زاویه‌ی وجود نهادهای ناظر متعدد است، مثلاً حسابرسی بانکی نمی‌داند نهاد ناظرش بورس است، بانک مرکزی است یا در بعضی موارد نهادهای امنیتی هم از حسابرسی گزارش را می‌خواهند. حسابرسی ما در ایران در سرگردانی قرار گرفته که چه باید بکند، مزید بر تمام این موارد انتظارات، مسئولیت اجتماعی نیز وظایف حسابرسی و بازرسی را بشدت زیر ذره بین برده است. از این جهت فکر می‌کنم نقش حسابرسی و بازرسی در ایران وضعیت پیچیده‌ای ایجاد می‌کند، ریسکی ایجاد می‌کند که هرکسی

جسارت لازم را ندارد که بیاید مؤسسه‌ی حسابرسی بزند. چون منافع و ریسک‌های این فعالیت با هم همخوانی ندارد و کسانی که در حرفه باقی مانده‌اند نیازمند کمک و توجه ویژه می‌باشند. به همین جهت ما باید از یک‌جا اصلاح ساختار نظام حسابرسی را شروع کنیم، و کمک کنیم و ریسک‌ها کاهش یابد، باید از طریق تعامل و نشست‌های متعدد خودمان را جای بورس بگذاریم و بدانیم نگرانی‌های سازمان بورس کجاست؟ چرا مؤسسات مرتب از این لیست حذف یا مؤسسه‌ای به آن اضافه می‌شوند، و چرا علاقه‌ای در بین سایر موسسات برای ورود به این لیست وجود ندارد؟ به جای حذف و اضافه لیست در هر سال، باید سطح کلی حرفه را ارتقا بدهیم تا انشاءالله روزی برسد که تمام حسابرسان ما استانداردهای سازمان بورس را رعایت نموده و همه موسسات عضو این لیست باشند.

در مجموع عرض من این است که شاید تغییر ساختار در نظام حسابرسی ایران به ما کمک کند که مشخص کند تکلیف حسابرسی با کدام نهاد ناظر است. بحث سازمان امور مالیاتی، سازمان بورس، نهاد ناظر بیمه و بانک مرکزی مطرح است. این وجود هم‌زمان چند نهاد ناظر



عملاً کار حسابرسان را مختل کرده است. در صورتی که در دنیا در خصوص بازار پول و بازار سرمایه یک نهاد ناظر وجود دارد. مثلاً در انگلیس شورای گزارشگری مالی نظارت می‌کند و تکلیف حسابرس مشخص است. یا در آمریکا کمیسیون بورس و اوراق بهادار و جامعه‌ی حسابداران بر سر استانداردهایی که مد نظرش است توافق می‌کنند و تکلیف حسابرس معلوم است. هر دو طرف حق دارند. حسابرس گزارشی صادر می‌کند که به قول آقای دکتر پوربهرامی به یک‌سری منابع دسترسی ندارد، مؤسسات حسابرسی در دنیا خودشان دارای بانک اطلاعاتی هستند و برای راستی‌آزمایی به این منابع مراجعه می‌کنند در ایران مؤسسات این چنینی نداریم جایی هم نداریم که مستندات را در حین بررسی بتوانیم کنترل کنیم که آیا اطلاعات و مستنداتی که شرکت داده است واقعاً درست است؟ در ده سال گذشته که تحریم‌ها اتفاق افتاده و ما رابطه‌ی بین‌المللی با کشورهای مختلف نداشتیم، بعضی از آسیب‌هایی که در اقتصاد و شرکت‌های بورسی دیدم به خاطر بحث دور زدن تحریم هاست و گردش منابع مالی شرکت‌ها قابلیت رصد

نداشته است. بعضاً شرکت‌ها، حسابرس را از فرستادن تأییدیه‌ی بدهکار و یا بستانکار برای شرکت‌های خارجی به جهت تحریم منع می‌کند چون برای دور زدن تحریم‌ها مجبور بوده‌اند از شرکت‌های trustee استفاده می‌کند. عملاً از حسابرس چه انتظاری می‌توان داشت؟ در این مورد چه چیزی اظهار نظر کنند؟ به خصوص در مورد شرکت‌های صادراتی که در بورس برای من جای تعجب بود که چه‌گونه حسابرس می‌تواند به مستندات لازم برسد. برای مبرودات مالی از سوئیفت که استفاده نمی‌کنیم و از شرکت‌های تراستی و واسطه‌ای استفاده می‌کنیم. پس نمی‌توانیم در ایران از حسابرس انتظار داشته باشیم دقیقاً استانداردهای روز دنیا را اعمال کند بدون آن که زیر ساخت‌ها را برایش فراهم شده باشد. حسابرس در یک فضای مه‌آلود و ابری در حال ناوبری است و از ریسک‌های اطراف خبر ندارد.

به نظر می‌رسد مشکلی که ما داریم این است که نهاد ناظر در حال حاضر وظایف جدیدی برای حسابرس تعریف می‌کند، البته به حق و به‌درستی چون می‌خواهد شفافیت در بازار افزایش پیدا کند اما از طرف دیگر عواملی که باعث

می‌شود استقلال حسابرس تأمین شود و ریسک حسابرسی به حداقل برسد، وجود ندارد. مانع مهم برای استقلال حسابرس را در رابطه‌ی حسابرس و صاحب‌کار می‌بینیم. به‌رغم تمام محدودیت‌هایی که بورس برای گردش حسابرسان می‌گذارد، درنهایت این مقررات قانون تجارت است که بر عملکرد مجامع و تعیین حسابرس حاکم است و دست سهام‌دار عمده را برای این کار باز می‌گذارد. وقتی به ساختار شرکت‌های بزرگ و اصلی در ایران نگاه می‌کنیم می‌بینیم سهام‌دار عمده به اتکای مجموعه‌ی شرکت‌هایی که تحت اختیار دارد و در مجامع حضور دارند، می‌تواند سرنوشت مجامع را رقم بزند. از یک‌سو انتظارات روزافزون از حسابرس وجود دارد و از طرفی مجموعه عواملی که استقلال حسابرس را ایجاد می‌کند و ریسک حسابرسی را کاهش می‌دهد، هنوز چنان که باید در اقتصاد ما حضور ندارد و از جانب سوم نوعی نگاه تقلیل‌گرایانه در نهادهای ناظر می‌شود. یعنی وقتی یک مورد خاص مورد سوال قرار می‌گیرد مجموعه‌ی عوامل کلاسی که آن شرایط را پدید آورده در نظر گرفته نمی‌شود. مثلاً فرض بفرمایید در مواردی که شاهد



دارند که دستورالعمل‌های خود را اصلاح کنند و خودشان را به انتظارات حساب‌برسان نزدیک کنند. قطعاً اگر حساب‌برسان هم به نحو مؤثری حمایت بشوند و بخشی از مشکلات‌شان از جانب جامعه‌ی حسابداران رسمی و سازمان بورس حل بشود، آمادگی دارند که گزارش‌های باکیفیت‌تری ارائه کنند.

مواردی که فرمودید نشان می‌دهد نگاه بازار سرمایه و بورس عمدتاً نگاه انضباطی- نظارتی است و ما نگاه حمایتی را به‌قدر کافی نمی‌بینیم. منظور نگاهی است که بتواند به حساب‌برسان کمک کند استقلال حرفه‌ای خود را از صاحب‌کار به شکل نظام‌مند رعایت کند. البته این استقلال نیازمند این است که مؤسسه بنییه مالی قوی‌تری داشته باشد، مؤسسات حساب‌بررسی بزرگ تشکیل بشوند و ریسک حساب‌بررسی کاهش پیدا کند.

که به جامعه‌ی حسابداران رسمی ارسال می‌شود در کمیته‌ی کنترل کیفیت تأیید شده و در زمان مقرر مشخص به کمیته‌ی پذیرش بورس بازمی‌گردد و البته این مشکل هم وجود دارد که بعضاً رأیی که کمیته‌ی پذیرش بورس براساس معیارهای از پیش تعیین‌شده‌ی خود می‌دهد با رأی هیأت‌های انتظامی در جامعه متفاوت است. به نظر من موضوعی که می‌تواند این فاصله را نزدیک کند و مشکلات را تا حدودی کم کند و یا از میان بردارد، تعامل مناسب است که آمادگی و پذیرش آن هم از جانب بورس و هم از جانب جامعه‌ی حسابداران رسمی وجود دارد. در سال‌های گذشته به دلیل شرایط و علل مختلف تعاملات انجام‌شده از اثربخشی لازم برخوردار نبوده و به تبع آن شکاف انتظارات بیش‌تر شده است. در کنار این موضوع اگر بخواهیم عملکرد این کمیته را بررسی کنیم، می‌بینیم در سال‌های گذشته پذیرش مؤسسات به‌مراتب کمتر شده، پذیرش مدیران و شرکایی که به کمیته معرفی شدند نیز کم‌تر شده و روند نزولی دارد.

دلیل این‌که افرادی که حسابدار رسمی هستند و آزمون بسیار سختی را پشت سر می‌گذارند و پذیرش نمی‌شوند چیست؟ آیا برای حساب‌برسان اتفاقی افتاده؟ یا روش‌های پذیرش در این کمیته خیلی سخت‌تر شده است؟ به نظر من جواب این سؤالات این است که نه روش‌های کمیته سخت‌تر شده و نه حساب‌برسان ضعیف‌تر شده‌اند. حساب‌برسان هر سال طبق ضوابط حرفه‌ای مجبور به گذراندن آموزش‌های حرفه‌ای مختلف هستند و هر سال تجربه‌ی بیش‌تری کسب می‌کنند. نکته‌ی کلیدی این است که ما نتوانستیم تعامل را به شکل مناسب برقرار کنیم. هم مؤسسات و هم کمیته‌ی پذیرش فقط همدیگر را محکوم کردند که انتظارات ما برآورده نشده است. در این‌که فرآیندهای موجود به‌ویژه در رابطه با پذیرش مؤسسات حساب‌بررسی جدید و شرکا و مدیران آن مستعد بهبود است شکی نیست و این کمیته و سازمان بورس این آمادگی را

شکل‌گیری حباب قیمتی هستیم، عوامل کلانی که این وضعیت را به وجود آورده در نظر گرفته نشود و مسئله به این که حساب‌برس وظیفه‌ی خودش را به طور کامل انجام نداده، تقلیل داده بشود.

اگر در قسمت دوم بحث کمی به مسایل ریز‌تر بپردازید ممنون می‌شوم.

«محمد رضا بنی فاطمی کاشی:

روش‌هایی که کمیته‌ی پذیرش و نظارت بر حساب‌برسان معتمد و سازمان بورس برای پذیرش و نظارت دارد از بدو تأسیس این کمیته که نماینده‌ی جامعه حسابداران رسمی هم از ابتدا در آن عضو بوده، تعیین شده و در سال‌های اخیر با توجه به بازخوردهایی که گرفته شده، در حال اصلاح شدن است. یکی از ایراداتی که برخی از همکاران مطرح می‌کنند این است که کارشناسانی که در کمیته‌های فرعی و تخصصی و در راستای وظایف نظارتی کار کارشناسی انجام می‌دهند حسابدار رسمی نیستند و تجربه‌ی حرفه‌ای لازم را ندارند و در قضاوت‌های حرفه‌ای خود با اظهارنظرهای حساب‌برسان دچار تعارض و دوگانگی می‌شوند. من این موضوع را وارد نمی‌دانم زیرا افرادی که در کمیته‌های کارشناسی هستند بررسی‌های اولیه را انجام می‌دهند و نتایج کارشان پس از طی کردن تشریفات حرفه‌ای و مقرراتی در کمیته‌ی پذیرش مطرح می‌شود. این کارشناسان حق رأی ندارند و فقط مواردی را که شناسایی و کشف کرده‌اند به کمیته گزارش می‌کنند. در کمیته هم که متشکل از پنج مدیر ارشد حساب‌بررسی است، نظر تکمیلی و نهایی ارائه می‌شود. طبق روال موجود موارد ضعف بااهمیتی که پاسخ مناسبی از طرف مؤسسه‌ی حساب‌بررسی مجری انجام کار حساب‌بررسی ارائه نمی‌شود حسب مورد به جامعه‌ی حسابداران رسمی و یا سازمان حساب‌بررسی گزارش می‌شود. شایان توجه است که بخش عمده‌ی مواردی



« محمد رضا بنی فاطمی کاشی:

در رابطه با این سؤال من سؤال دیگری مطرح می‌کنم، آیا موردی بوده که جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران و یا هر مرجع دیگری در راستای اعتلای حرفه در خواست همکاری و تعامل کرده و سازمان بورس با آن مخالفت کرده باشد؟ شکی نیست برای این که مؤسسات بتوانند خدمات حرفه‌ای مناسب در شأن استفاده‌کنندگان ارائه کنند نیاز به حمایت همه‌جانبه توسط سازمان بورس و سایر مراجع ذی‌ربط دارند ولی نباید بنشینیم و انتظار حمایت داشته باشیم و بایستی در این راه و کسب حمایت‌های لازم سخت تلاش کنیم.

به این ترتیب، شما نگاه حمایتی را منوط به تعامل بیش‌تر بین سازمان و جامعه می‌دانید؟

« محمد رضا بنی فاطمی کاشی:

من معتقدم اگر این تعامل وجود داشته

باشد حمایت هم هست. برای مثال صدور آرای انضباطی به این صورت است که مهلت مشخصی طبق دستورالعمل برای پاسخ‌گویی مؤسسات و کمیته‌ی کنترل کیفیت جامعه وجود دارد و اگر کمیته‌ی کنترل کیفیت جامعه نیاز به مهلت بیش‌تری برای بررسی داشته باشد می‌تواند درخواست و زمان آن را تمدید کند. بعد از مهلت مزبور اگر جامعه اعلام کند که به هر دلیل بخشی از مواردی که سازمان بورس اعلام کرده درست نیست، به هیچ عنوان رأی مخالف آن صادر نمی‌شود، به‌رغم این که طبق دستورالعمل، سازمان بورس این حق را دارد ولی به هیچ عنوان تا الان من ندیدم کمیته‌ی پذیرش و نظارت نظر جامعه را رد کند. در صورت تأیید ایرادات توسط جامعه باز هم مراحل متعددی وجود دارد که بر مبنای آن و حسب مشکلی که وجود داشته تذکر و اخطار در سه نوبت داده می‌شود و این‌طور نیست که یک‌باره به یک نفر مدت طولانی عدم تصدی بدهند یا عنوان معتمد را از وی بگیرند.

در حال حاضر هماهنگی بسیار زیادی بین کمیته‌ی پذیرش بورس و کمیته‌ی کیفیت جامعه وجود دارد و به نظرات کمیته‌ی کنترل کیفیت جامعه‌ی حسابداران رسمی احترام گذاشته می‌شود. البته همان‌طور که قبلاً هم اشاره کردم این احتمال وجود دارد رأی هیأت‌های انتظامی جامعه با رأیی که در کمیته‌ی پذیرش و نظارت بورس داده می‌شود متفاوت باشد. در این خصوص لازم است جلسات مشترکی بگذاریم تا معیارهای مربوط به آرای انضباطی مان را یکسان و به‌هم نزدیک کنیم. اگر تعامل مناسب صورت بگیرد که با توجه به شناخت من از جناب آقای پور بهرامی، فکر می‌کنم در آینده‌ی نزدیک شاهد کاهش این شکاف انتظارات خواهیم بود.

جناب پور بهرامی اگر برنامه‌هایی

برای این تعامل بیش‌تر دارید، برای آگاهی اعضا بفرمایید.

« بابک پور بهرامی:

بحث واقعاً در مسیر خوبی پیش می‌رود. با اجازه‌ی شما من کمی به عقب برمی‌گردم، یکی از مواردی که می‌تواند به حسابرس جهت صدور گزارش حسابرسی با کیفیت مناسب کمک کند وجود صورت‌های مالی منطبق با استانداردهای حسابداری است. اما پرسش مهم این است که صورت مالی را چه کسی تهیه می‌کند؟ آیا افراد حرفه‌ای و متخصص در امور مالی شرکت‌ها هستند که صورت‌های مالی را منطبق با استانداردها تهیه می‌کنند. در اکثر کشورهای پیشرفته مدیران مالی حسابدار رسمی (CPA) هستند. بدین معنی که افرادی که در شرکت‌ها مسئولیت تهیه‌ی صورت‌های مالی را دارند از دانش و تخصص کافی در این زمینه برخوردار هستند. متأسفانه در بعضی از شرکت‌ها مدیران مالی تحصیلات و تجربیات غیرمرتبط با حسابداری دارند. که این موضوع زیان‌های بسیار سنگینی به مجموعه وارد می‌کند. در حال حاضر اگر حسابرسی سهواً موضع‌گیری نادرستی بکند با او برخورد انضباطی می‌شود اما هیأت‌مدیره که مسئول تهیه و تأیید صورت‌های مالی است که حسابرس نسبت به آن اظهار نظر کرده هیچ برخورد انضباطی با ایشان نمی‌شود و حداکثر ممکن است جریمه مالی بشود، در واقع تمام تقصیرها به گردن حسابرس خواهد بود. در حال حاضر ما جلساتی هر دو هفته یک بار با جناب آقای دکتر امیری و همکاران محترم‌شان در سازمان بورس داریم. درخواست ما این بود که سازمان بورس ضوابطی را برای شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس برقرار کند که مدیران مالی شرکت‌های مزبور، حسابدار رسمی باشند و همچنین در جهت تقویت کنترل‌های داخلی اعضای کمیته‌ی حسابرسی، متشکل از افراد فنی و متخصص باشند و قطعاً این حمایت‌ها می‌تواند تأثیرات بسزایی داشته باشد.



موضوع مهم دیگر که در بسیاری از جلسات کنترل کیفیت مورد اختلاف است بحث قضاوت حرفه‌ای است. خط قرمز سازمان بورس استاندارد است اما حسابرس هم در شرایطی که در حال صدور گزارش است با توجه به شواهد و مستندات نسبت به موضوعات قضاوت حرفه‌ای می‌کند.

البته من معتقد هستم که استاندارد کاملاً باید رعایت شود اما قضاوت حرفه‌ای هم در حسابرسی ما در ایران دارای جایگاهی است که حسابرس با تکیه بر آن موضع‌گیری می‌کند.

«شاهین چراغی:

درمورد سخت‌گیری‌هایی که بورس انجام می‌دهد، نگاه می‌کنیم در چند سال گذشته دانش سهام‌داران ما افزایش یافته، سؤالاتی که در مجامع سهام‌دار خرد از هیأت‌مدیره می‌پرسد، حتی سهام‌دار عمده از هیأت‌مدیره نمی‌پرسد و این قابل تقدیر و تأمل است. دانش مالی و حسابرسی در بازار سرمایه بالا رفته است. و برخی از بندهایی که حسابرس به هر دلیلی یا ریسک‌های ذاتی به آن توجه نکرده، افرادی که سهام‌دار هستند، اعلام

می‌کنند مثل مسئولیتی که افشاگران (یا whistleblowers) دارند. مثلاً اعلام می‌کنند چرا شرکت قراردادش را این طور افشا نکرده است. این موضوع مسئولیت‌های سازمان بورس را بشدت بالا می‌برد چون همان طور که عرض کردم می‌تواند بحران‌های اجتماعی ایجاد کند. من در ابتدای بحثم از حساب‌رسان و ریسک‌های ذاتی حرفه‌شان گفتم و از آنان دفاع کردم ولی الان یک انتقاد دارم. ما باید برویم به سمت مؤسسات حسابرسی بزرگ. اگر قرار است حساب‌رسان استقلال حرفه‌ای داشته باشند اول باید استقلال مالی داشته باشند. کارفرما نباید بر گزارش حسابرس تأثیرگذار باشد یا اعمال قدرت و اعمال نفوذ کند. از طرفی بحث ادغام هست، ما بیش از ۲۰۰ مؤسسه‌ی حسابرسی داریم که اگر باهم دیگر باشند مزیت‌هایی ایجاد می‌شود. ولی می‌بینیم حتی حاضر نیستند از اسم خودشان بگذرند. این نشان می‌دهد که ما هنوز به بلوغ حرفه‌ای نرسیدیم و آن‌ها نمی‌دانند با ادغام چه مزیت‌هایی ایجاد می‌شود. چه اشکالی دارد ما ۳۰ مؤسسه‌ی خوب با درآمدهای خوب داشته باشیم و سطح درآمد حرفه افزایش یابد. حرفه با تمام مسئولیت‌هایی که

برعهده دارد، درآمد متناسب ندارد. این یک واقعیت است که باید به آن اشاره کنیم. در تمام دنیا مبنای حق‌الزحمه‌ی مؤسسات بورسی متفاوت است، چون مسئولیت‌های بسیار سنگینی دارند و هزاران چشم گزارشات آنان را رصد می‌کنند، خوشبختانه از زمانی که شورای جدید جامعه تشکیل شد چند نفر از اعضا با من تماس گرفتند و من خیلی خوشحال شدم از این که می‌تواند تعامل خوبی بین سازمان، شورا و جامعه وجود داشته باشد تا به همکاران سابق خودم در حرفه بتوانم کمکی بنمایم.

مطلبی که آقای دکتر پوربهرامی اشاره کردند هم واقعاً درست است. یک دانش حسابداری و مالی در بدنه‌ی شرکت‌های ما ایجاد شده است. جامعه‌ی حرفه‌ای شما فقط افرادی را در دل خودش جای داده که اجازه‌ی امضا گزارش را دارند. اما علاوه بر آن خیلی از افراد هستند که می‌توانند به ارتقای حرفه کمک کنند اگر چه حسابرس صاحب امضا نیستند اما به هر حال طرف مقابل شما به‌عنوان حسابدار می‌باشند. همان طور که گفته شد اگر ما یک جامعه‌ی حرفه‌ای قوی داشته باشیم که ۵۰ هزار عضو داشته باشد از این مقدار



تعدادی که اجازه‌ی امضا دارند و می‌توانند گزارش حسابرسی امضا نمایند و تعدادی هم حائز شرایط هستند و می‌توانند در شرکت‌ها کار حرفه‌ای حسابداری انجام دهند و در جهت ارتقای دانش حسابداری و حسابرسی کمک کنند.

بزرگ بودن تشکل‌ها در کشور قدرت چانه زنی در قوانین و مقررات گذاری برای حرفه حسابداری و حسابرسی ایجاد می‌کند.

یکی از بحث‌های ما این است مدیران و حسابداران شرکت‌هایی که وارد بورس می‌شوند، بورس را نمی‌شناسند و با مسئولیت‌های خود در خصوص افشای اطلاعات بازار سرمایه بیگانه هستند، همچنان که اشاره کردم جامعه حسابرسی ما نیز با بازار سرمایه و ابزارهای مالی بازار بیگانه است. در حال حاضر خیلی از احکامی که کمیته‌ی انضباطی سازمان بورس می‌دهد درباره‌ی الزام افشای بموقع اطلاعات ماهیانه شرکت‌ها در سایت کدال است، یعنی حسابداران و مدیران شرکت‌ها در سر وقت انجام نمی‌دهند، حتی اعضا هیأت‌مدیره‌ها شرکت‌های سهامی عام که قبول سمت کرده‌اند مسئولیت قانونی خودشان را نمی‌دانند و خیلی‌ها هنوز به

قانون تجارت که اشاره می‌نماید مسولیت هیأت‌مدیره تضامنی است اشراف ندارند، لذا تنها سازمان بورس نمی‌تواند تمام زحمات آموزش مدیران و حسابداران در شرکت‌ها را عهده دار باشد و سایر حوزه‌ها نیز باید در این مسیر کمک نمایند.

عرض دیگر من این است که باید به طرف مؤسسات حسابرسی قدرتمند از لحاظ اقتصادی برویم، درآمد مؤسسات حسابرسی که شرکت‌های بورسی را رسیدگی می‌کنند مناسب باشد تا بتوانند کیفیت رسیدگی، آموزش، تحقیق و توسعه را در مؤسسات حسابرسی ایجاد نمایند. آقای بنی فاطمی فرمودند می‌توان کیفیت را بهتر کرد، کیفیت بهتر مستلزم درآمد خوب، نیروی خوب و آسودگی خاطر در ارائه‌ی نظر حرفه‌ای است. ولی با تمام این بحث‌ها، جامعه‌ی حسابداران و حسابرسان ما نسبت به سایر حرفه‌ها کم درآمدتر است پس این توقع نمی‌تواند یک طرفه باشد، باید با تعامل بین ذینفعان، توانمندسازی مالی مؤسسات حسابرسی و حرفه را شروع نماییم.

باید فکر کنیم چه طور می‌توان درآمد مؤسسات را بالا برد و این که چرا برخی از همکاران ما نمی‌توانند در فهرست

حسابرسان معتمد قرار بگیرند؟ و چرا بخشی از حسابرسان اگر هم قرار می‌گیرند صرفاً در طی یک سال یک یا دو کار بیشتر نمی‌پذیرند؟ آیا بورس استانداردهای بیش از حد سخت‌گیرانه دارد؟ به هر حال مشکلاتی وجود دارد و ما نمی‌توانیم انکار کنیم باید مشکل را ریشه یابی کنیم و برای آن راهکار از طریق تعامل پیدا کنیم. آقای دکتر امیری این‌جا حضور ندارند ولی در جلسات فرعی شورای بورس شاهد بوده‌ام که چه قدر از جامعه‌ی حسابداران رسمی و حرفه حسابرسی دفاع می‌کنند. پس چرا به نتیجه‌ی مطلوب شما نمی‌رسیم، شاید این تعامل آن قدر نزدیک نبوده است. من فکر می‌کنم سازمان بورس از لحاظ حرفه‌ای در حوزه نظارت بر مؤسسات حسابرسی خوب کار می‌کند ولی تنش‌ها بین جامعه و سازمان بورس بعضاً زیاد است. سهام‌داران در مجامع در مورد بند بند گزارش حسابرس از نماینده بورس سوال می‌پرسند.

نکته‌ی دیگر این است که بحث ادغام را جدی بگیریم. به نظر من مدل قبلی ادغام موفق نبوده چون مسئولیت بیش‌تر شده و درآمد کم‌تر شده است. مشخص است که یک جای کار اشکال داشته است.



مؤسسات بزرگ و حتی مؤسسات کوچک را بالا برد. در این راه سازمان بورس باید برای جلوگیری از کاهش قراردادهای حسابرسی کمک کند تا نه فقط درآمد خدمات حسابرسی کاهش پیدا نکند، بلکه متناسب با خدمات حسابرسان افزایش یابد. هر چه کار حسابرسان با کیفیت تر و بهتر باشد قطعاً سازمان بورس هم منتفع خواهد شد.

« بابک پوربهرامی:

کلام آخر این که جامعه حسابداران رسمی ایران باید جایگاه واقعی خودش را به دست بیاورد. این حرفه در اکثر کشورها از نرخ بالایی برخوردار است، مسئولیت این حرفه بسیار سنگین است و تمام نهادهای نظارتی از حسابرس توقع دارند که گزارشهای مورد نظر آنها را با بهترین کیفیت صادر کند. اما بهای واقعی این حرفه پرداخت نمی شود و امیدوارم به زودی شاهد این باشیم که جامعه حسابداران رسمی ایران به جایگاه واقعی خودش دست پیدا کند.

« شاهین چراغی:

اعتقاد من این است که اقتصاد، فرهنگ را می سازد. در جامعه ای که مردم دروغ نمی گویند به خاطر موعظه های اخلاقی نیست. یعنی مردم از وضعیت اقتصادی خوبی برخوردارند که با انجام رویکرد هزینه- منفعت دلیلی برای دروغ گفتن، پیدا نمی کنند. اگر مؤسسه ای حسابرسی درآمد داشته باشد، قطعاً استقلال حرفه ای اش را حفظ می کند، کیفیت کار را بالا می برد. مؤسسات حسابرسی واقعاً تا از لحاظ مالی قوی نشوند و نتوانند خدمات متنوعی ارائه کنند، این مشکلات برطرف نمی شود. مثلاً دیپلوم و کی پی ام جی به طور جدی در حوزه ای خدمات مشاوره ای سرمایه گذاری وارد شدند، حسابرسان ما اصلاً با بحث مشاوره های سرمایه گذاری آشنا نیستند و نیازمند یک دگردیسی اساسی در مؤسسات حسابرسی می باشیم،

بحث من این است در این راه حرکت کنیم که به مؤسسات نشان بدهیم ادغام درآمد شما را افزایش خواهد کرد. شرکا به طور عینی ببینند، قطعاً در این مسیر حرکت خواهند کرد. اگر درآمد مؤسسات حسابرسی را برای رسیدگی شرکت های بورسی بالا ببریم، مطمئن هستم تعامل بسیار خوبی بین جامعه و سازمان بورس خواهیم داشت.

« محمدرضا بنی فاطمی کاشی:

جان کلام با توجه به تمام مواردی که دوستان فرمودند این است که بایستی با حمایت های مؤثر درآمد مؤسسات را بالا ببریم. ولی برخلاف این موضوع و طبق آمارهای موجود در حال حاضر از مؤسساتی که به عنوان معتمد در بورس پذیرفته شده اند تعدادی اصلاً کار بورسی ندارند، تعدادی تنها یک شرکت را حسابرسی می کنند، تعدادی بین یک تا سه شرکت و تعداد کمی بخش عمده ای کارها را در اختیار دارند. دلیل این که مؤسسات کار بورسی را نمی پذیرند چیست؟ پاسخ این است که برای انجام کار با کیفیت بایستی هزینه کنیم و این موضوع بدون حمایت های مؤثر امکان پذیر نیست. یکی از راه هایی که تاحدودی می تواند این مشکل را حل کند ادغام مؤسسات است که البته اگر بخواهیم تجربه ای را که در این خصوص داریم صادقانه مطرح کنیم، ادغام های چند سال گذشته چندان موفق نبوده که آن هم ناشی از مشکلات اقتصادی و مسایل فرهنگی ما بوده است. اعتقاد شخصی من این است که مؤسسات باید از درون خودشان بزرگ شوند. سازمان بورس انتظار دارد تعدادی از مؤسسات بزرگ و قابل اتکا وجود داشته باشد که به کارکنان پرداخت های مناسبی داشته باشد، برای آموزش کارکنان و کنترل کیفیت اش هزینه کند و ساختار کنترل کیفیت را به نحو مطلوب راه اندازی و بهره برداری کند. پس باید با روش های مختلف درآمد

قانون و فضای کسب و کار جدیدی برای فعالیت حسابرسان ایجاد نماییم، حسابرس ما تجارب زیادی در اختیار دارد اما ما فقط از حسابرس اظهار نظر و چند خط گزارش می خواهیم. اگر بتوانیم تنوع درآمدی برای مؤسسات حسابرسی را با توجه بزرگ شدن بازار سرمایه ایجاد کنیم، مؤسسات حسابرسی هم باید هم از این بزرگ شدن بازار سرمایه با حق الزحمه ای مناسب از این بلوغ بازار منتفع شوند. اگر بتوانیم بخشی از مزایایی را که به دلیل تنوع فعالیت ها در بازار سرمایه ایجاد شده است را به سمت مؤسسات حسابرسی هدایت کنیم، این امر خیلی می تواند به ارتقای کیفیت گزارشات، سطح رفاه و معیشت حسابرسان کمک اساسی نموده و تناسب درستی را بین ریسک و بازدهی در این حرفه بوجود آورد.

از حضور همه ی دوستان عزیز در
میزگرد سپاسگزاریم. ■